یادداشت

ضرورت بررسی کارشناسی لایحه کاسپین

ادامه از صفحه اول

به این ترتیب افزون بر مخاطرات زیست‌محیطی موجب شود که به‌راحتی اهمیت تنگه هرمز تحت تأثیر این کنوانسیون قرار گرفته و انرژی مورد نیاز اروپا و دیگر کشورها از مسیر دریای مازندران تا حد زیادی تأمین شود. همچنین این کنوانسیون می‌تواند زمینه تهدیدهای امنیتی دیگری را نیز علیه ایران ایجاد کند. پیوستگی زمینی و دریایی کشورهایی با ایدئولوژی تهاجمی قوم‌گرا که بر مبنای هویت قومی در تلاش هستند تا در مناسبات منطقه‌ای دخالت کرده و مطامع قومی و سیاسی و بلندپروازی‌های خود را تعقیب کنند، پروژه‌ای که در سال‌های گذشته از اهداف بلندمدت خود رونمایی کرده و برنامه‌های آتی خود را تا حدودی هویدا کرده است. برخی از کارشناسان بر این باورند که باید پیش از تصویب نهایی این کنوانسیون، درباره ابهامات و نقاط ضعف و کاستی‌های این کنوانسیون مراقبت، تأمل، مطالعات و بررسی‌های بیشتری صورت گیرد و پیش از تصویب این کنوانسیون، تقسیم بستر و زیربستر دریای کاسپین میان ایران و جمهوری‌های آذربایجان و ترکمنستان تعیین تکلیف شود تا راه بر هر نوع تفسیر و اقدامی مغایر با حقوق ایران در این میان بسته شود. در غیر این صورت با تصویب این کنوانسیون قدرت مانور ایران در شرایط بعدی بسیار محدود شده و مخاطراتی بر سر منافع ایران ایجاد خواهد شد، ایران از کریدورهای منطقه‌ای پس زده شده و منافع ایران قربانی تعجیل بی‌دلیل صورت‌گرفته می‌شود. در این روزها که به دلیل ارسال لایحه یک‌فوریتی کنوانسیون حقوقی دریای کاسپین به مجلس درباره این کنوانسیون دوباره بحث و گفت‌وگو و انتقادهای زیادی شده، ضروری است با توسعه این گفت‌وگوها در حوزه عمومی و رسانه‌ای بیش از پیش منافع ملی مورد توجه قرار گیرد. هر نوع کم‌توجهی یا عجله بر سر تصویب این کنوانسیون می‌تواند افزون بر ازدست‌رفتن بخشی از کشور با مساحت قابل توجه، منافع راهبردی رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران را نیز تأمین کند. کنوانسیون حقوقی دریای کاسپین یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین پرونده‌های ژئوپلیتیک و راهبردی ایران و ژئواکونومیک و امنیتی در دهه‌های اخیر است و اهمیت استراتژیک موضوع ایجاب می‌کند که تمام تهدیدها و هزینه‌ها و احتمالات نافی امنیت و منافع ملی برآورد شود تا کشور بتواند با حداکثر ملاحظات و برآوردها برای حصول منافع ملی اقدام کند. یکی از ملزومات تغییرات احتمالی در چارچوب‌های سرزمینی و منطقه‌ای بررسی‌های دقیق توسط کارشناسان مجرب و حقوق‌دانان بین‌المللی، سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و دیگر متخصصان است تا از قِبَل چنین تغییراتی کمترین خسارات متوجه کشور شود و منافع آتی کشور قربانی تصمیم‌گیری‌های عجولانه و مبهم نشود.

فرسودگی خاموش

ادامه از صفحه اول

جامعه‌ای که هنوز فرصت سازگاری با یک بحران را نیافته، ناگهان با بحرانی تازه مواجه می‌شود. تورم بر بیکاری افزوده می‌شود، کاهش تولید با نااطمینانی سیاسی گره می‌خورد، فشارهای معیشتی با تنش‌های روانی درهم می‌آمیزد و جنگ، همچون متغیری فراگیر، بر شدت همه این بحران‌ها می‌افزاید. حاصل این چرخه، صرفا کاهش شاخص‌های اقتصادی نیست، بلکه فرسایش تدریجی ظرفیت جامعه برای تاب‌آوری است. جامعه‌شناسان سال‌هاست هشدار می‌دهند بحران‌ها زمانی به تهدیدی ساختاری تبدیل می‌شوند که فرصت ترمیم از جامعه گرفته شود. اولریش بِک در نظریه «جامعه خطر» نشان می‌دهد جهان معاصر بیش از آنکه با بحران‌های منفرد روبه‌رو باشد، با زنجیره‌ای از مخاطرات درهم‌تنیده مواجه است. در چنین وضعیتی، مسئله فقط وقوع بحران نیست، بلکه استمرار آن و ناتوانی جامعه در بازیابی تعادل است. این توصیف، بیش از هر زمان دیگری با تجربه امروز ایرانیان همخوانی دارد. فرسودگی اجتماعی دقیقا از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از زمانی که بحران دیگر یک رویداد استثنایی نیست، بلکه به بخشی از زندگی روزمره تبدیل می‌شود. جامعه‌ای که هر روز با نگرانی تازه‌ای از خواب برمی‌خیزد و هر شب با ابهامی تازه به خواب می‌رود، به‌تدریج نه‌فقط منابع مالی، بلکه منابع روانی و ارتباطی خود را نیز از دست می‌دهد. اعتماد، امید، مشارکت و احساس تعلق، سرمایه‌هایی هستند که در اقتصاد جنگی آرام‌آرام فرسوده می‌شوند؛ بی‌آنکه کاهش آنها در شاخص‌های رسمی به‌سادگی قابل اندازه‌گیری باشد.

اقتصاد؛ کارخانه تولید احساسات

اقتصاد فقط محل تولید کالا و خدمات نیست؛ کارخانه‌ای است که هر روز احساس امنیت، امید، اعتماد و حتی تصویر انسان از آینده را نیز تولید می‌کند. وقتی اقتصاد در وضعیت ثبات قرار دارد، مردم با اطمینان بیشتری برای آینده برنامه‌ریزی می‌کنند، سرمایه‌گذاری می‌کنند، تشکیل خانواده می‌دهند، فرزندان خود را به ادامه تحصیل تشویق می‌کنند و آینده را امتداد منطقی امروز می‌بینند. اما در اقتصاد جنگی، این چرخه معکوس می‌شود؛ نااطمینانی جای پیش‌بینی‌پذیری، احتیاط جای ابتکار و اضطراب جای امید را می‌گیرد. در چنین شرایطی، مسئله نه‌فقط کوچک‌ترشدن سفره مردم، بلکه کوچک‌ترشدن افق ذهنی جامعه است. اگر اقتصاد سالم، انسان را به آینده پیوند می‌دهد، اقتصاد جنگی او را در اکنونی ممتد و اضطراب‌آلود محبوس می‌کند؛ اکنونی که در آن، تصمیم‌های بلندمدت جایگزین انتخاب‌های کوتاه‌مدت و واکنشی می‌شود. جامعه‌ای که چشم‌انداز برنامه‌ریزی خود را از سال‌ها به ماه‌ها و گاه به روزها تقلیل می‌دهد، صرفا با بحران اقتصادی مواجه نیست؛ چون بخشی از ظرفیت تمدنی خود را برای ساختن آینده از دست می‌دهد.

فرسایش نامرئی

آسیب‌های اقتصاد جنگی، برخلاف ویرانی‌های فیزیکی، همیشه قابل مشاهده نیستند. کارخانه‌ای که تعطیل می‌شود، فروشگاهی که مشتری ندارد یا پروژه‌ای که نیمه‌تمام می‌ماند، نشانه‌های آشکار بحران‌اند اما لایه‌ای عمیق‌تر نیز وجود دارد که کمتر دیده می‌شود؛ آنجا که اعتماد میان مردم کاهش می‌یابد، روابط اجتماعی شکننده‌تر می‌شود، گفت‌وگو جای خود را به سوءظن می‌دهد و احساس نااطمینانی به بخشی از زیست روزمره تبدیل می‌شود. رابرت پاتنام، نظریه‌پرداز سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت را از مهم‌ترین دارایی‌های هر جامعه می‌داند. این سرمایه، برخلاف سرمایه مالی، به‌آرامی ساخته می‌شود، اما ممکن است در دوره‌ای کوتاه و زیر فشار بحران‌های متوالی آسیب ببیند. وقتی جامعه احساس کند آینده قابل پیش‌بینی نیست، انگیزه مشارکت در فعالیت‌های جمعی نیز کاهش می‌یابد. این کاهش مشارکت صرفا یک تغییر رفتاری نیست؛ نشانه‌ای از فرسایش پیوندهایی است که جامعه را به یک کل منسجم تبدیل می‌کند. در چنین وضعیتی، حتی روابط روزمره نیز از منطق بحران تأثیر می‌پذیرد. خانواده‌ها ناچار می‌شوند بخش بزرگی از گفت‌وگوهای خود را به هزینه‌های زندگی، نگرانی از درآمد، آینده فرزندان و تأمین نیازهای اولیه اختصاص دهند. فشار اقتصادی به‌تدریج زبان مشترک خانواده را نیز تغییر می‌دهد؛ گویی اقتصاد نه‌فقط بر جیب مردم، بلکه بر واژگان، احساسات و کیفیت روابط آنان نیز سایه می‌اندازد.

ذهنی که فرصت ترمیم ندارد

روان‌شناسان معتقدند انسان حتی در دشوارترین شرایط، اگر به پایان بحران امیدوار باشد، توان سازگاری بیشتری نشان می‌دهد. آنچه فرسودگی را رقم می‌زند، صرف وجود بحران نیست؛ استمرار بحران و نامشخص‌بودن افق پایان آن است. هنگامی که فشارهای اقتصادی، نااطمینانی و نگرانی‌های روزمره به تجربه‌ای دائمی تبدیل شوند، ذهن نیز بخشی از توان خود را برای بازیابی تعادل از دست می‌دهد. مفهوم «درماندگی آموخته‌شده» که مارتین سلیگمن آن را در روان‌شناسی مطرح کرد، هرچند درباره وضعیت فردی شکل گرفته است، اما می‌تواند در سطح اجتماعی نیز الهام‌بخش باشد. جامعه‌ای که بارها با رویدادهایی خارج از کنترل خود مواجه می‌شود و احساس می‌کند توان اثرگذاری بر آینده کاهش یافته، ممکن است به‌تدریج از کنشگری فاصله بگیرد و به سازگاری منفعلانه با شرایط روی آورد. این وضعیت الزاما به معنای سکون نیست، بلکه می‌تواند به کاهش امید، افزایش اضطراب و اُفت اعتماد به امکان تغییر بینجامد.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

عکس: عباس کوثری/شرق

روایت میدانی «شرق» از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده پس از موشک‌باران در یکی از میدان‌های شهر

میدان نیلوفر؛ ۱۶۳ روز بعد

محمدحسین موسوی: داربست بلندی ساختمان را نگه داشته است؛ ساختمان دو طبقه دارد که در طبقه اول رستوران زنجیره‌ای معروفی قرار گرفته و در طبقه دوم کافه بزرگی دیده می‌شود. از موشک‌باران تهران چندین ماه گذشته، اما هنوز با هر باد، گرد و غبار از ساختمان‌های ویران‌شده که هنوز بازسازی نشده‌اند، بلند می‌شود، پخش می‌شود و زخم جنگ را به یاد ساکنان «نیلوفر» می‌آورد. در طبقه همکفِ ساختمانی که به‌زورِ داربست سرپاست، سوپرمارکت کوچکی قرار دارد. مرد جوانی که صاحب سوپرمارکت است در انتهای مغازه روی صندلی نشسته و می‌گوید که مشتریانش او را به کالاهای زیادی که در مغازه دارد می‌شناختند اما حالا وضعیت عوض شده است. ویدئوهای زیادی در موبایلش دارد؛ از وقتی که مغازه پر از محصولات متنوع بود و حالا بعد از جنگ و آسیب‌هایش، وضعیت مغازه را با چرخش دست نشان می‌دهد: «از آن دوران، فقط دو یخچال برای نوشیدنی، دو یخچال فریزر بستنی و چند قفسه اکثرا خالی، باقی مانده است».

حدود ساعت ۹ شب دهم اسفند ۱۴۰۴ میدان نیلوفر و خیابان عشقیار موشک‌باران شد؛ بقایای آن حمله بعد از ۱۶۳ روز به وضوح قابل مشاهده است. در میانه خیابان، از ساختمان بزرگ «کلانتری ۱۰۴ عباس‌آباد» فقط زمینی وسیع پر از خاک و تکه‌شیشه و خرده‌آهن باقی مانده است. تابلوی کوچه کناری کلانتری، کنده شده اما روی نقشه نام کوچه «رمضانی ۹» نوشته شده؛ کوچه‌ای که شش، هفت ساختمان آن آسیب جدی دیده‌اند. حداقل دیوارهای داخلی سه ساختمان ریخته، در یکی از خانه‌ها خودرویی له‌شده بی‌صاحب رها شده، روی دیوارها و درها سوراخ‌هایی دیده می‌شود؛ جای ترکش‌هایی است که هرکدام می‌توانست جان یک انسان را بگیرد. اما این تمام ماجرا نیست، جز سوپرمارکت آن مرد جوان، میدان نیلوفر پُر است از مغازه‌ها و فروشگاه‌هایی که آسیب دیده‌اند و حالا یا با تلاش خود کاسبان بازگشایی شده یا با کرکره‌های پایین، به حال خود رها شده‌اند. صاحبان این کسب‌وکارها می‌گویند تابه‌حال کسی به آنها خسارت یا کمک‌هزینه‌ای پرداخت نکرده است و حتی نمی‌دانند باید از چه کسی درخواست جبران هزینه‌ها را کنند. از بین مسئولان نیز هیچ شخص یا نهادی به بازسازی واحدهای تجاری اشاره نکرده است، با این حال، رئیس اتاق بازرگانی تهران به «شرق» می‌گوید: «رئیس‌جمهور دستور پیگیری جبران آسیب‌های واردشده به واحدهای تجاری را صادر کرده است»، اما تاکنون کسی خبری از اقدامات انجام‌شده ندارد.

چه کسی به داد ما می‌رسد؟

آفتاب تند تابستان آسفالت را داغ کرده، هر عابری از شدت گرمای مرداد دنبال پناهگاهی خنک است، اما «مرد جوان» با تی‌شرت آبی بی‌توجه به گرما، در سوپرمارکت بدون کولر، نشسته است: «سه یخچال داشتم، یک کولرگازی ۲۴ هزار در مغازه نصب بود و سرتاسر مغازه پر از اجناس مختلف بود. اما حالا از تمام آن تجهیزات و اجناس همین‌ها باقی مانده است». در مغازه از سه یخچال، دو یخچال مانده که هر دو را با هزینه شخصی، تعمیر کرده. یخچال‌های بستنی هم چون امانتی یک شرکت بود، با اصرار او، توسط شرکت تعمیر شده است. اغلب قفسه‌ها خالی است، سوپرمارکت در طبقه همکف ساختمانی اداری قرار دارد که کاملا تخلیه شده و به لطف نصب تیرآهن سرپاست: «مغازه را باز کردم چون اجناس فاسدشدنی دارم، اینها را نفروشم، ضرر روی ضرر می‌شود. هیچ‌کس کمکی نکرده است، مثلا از صنف ما کسی نیامد حداقل اجناس مرا بردارد حتی با قیمت خرید تا فاسد نشوند، کارشناس برای ارزیابی خسارت آمد اما اصلا با دقت ارزیابی نکرد، کولر گازی من را با کولر آبی مغازه کناری یکی در نظر گرفت، هیچ‌کس هم نیامد بگوید آسیب‌هایی که به اجناس ما خورده، چه می‌شود. برفرض آمدند و ساختمان را درست کردند، کرکره‌ها و شیشه‌ها را انداختند، خب سرمایه و تجهیزاتم که حاصل سال‌ها تلاشم است و از بین رفته، چه می‌شود؟». او ادامه حرف‌هایش را می‌گیرد: «مدتی بعد از موشک‌باران، از طرف شهرداری و دولت آمدند و گفتند خیالتان راحت، همه‌چیز را جبران می‌کنیم و تمام خسارات پرداخت خواهد شد. ما به ستاد بحران رفتیم و پرونده تشکیل دادیم، اما به ما گفتند هنوز برای ساختمان‌های تجاری تصمیمی گرفته نشده است. باید منتظر باشیم شاید خودشان از فرمانداری تماس بگیرند و بتوان وامی گرفت. اما من وام نمی‌خواهم، حقم را می‌خواهم. چرا از اول به ما وعده دادید؟ می‌گفتید نمی‌خواهیم کمک کنیم». تمام طبقات ساختمانی که سوپرمارکت در آن قرار گرفته، آسیب دیده و خالی از سکنه است. او می‌گوید بازسازی ساختمان نیز هنوز شروع نشده است: «در این مدت که برای مسائل مختلف بارها به شهرداری و دیگر ارگان‌ها رفتم، همه در وهله اول گفتند خودتان بازسازی را انجام دهید و به ما فاکتور بدهید، خیالتان راحت، پرداخت می‌کنیم؛ اما برای مثال من شیشه‌های مغازه را عوض کردم، وقتی فاکتور را به شهرداری دادم، گفتند نرخ ما و اتحادیه با هزینه‌ای که شما کردید، فرق دارد. بنابراین فاکتور کامل پرداخت نمی‌شود. برای بازسازی نیز گفتند خودتان باید اول به اجماع برسید و کاری کنید، خب این ساختمان ۱۱ مالک دارد و بین ۱۱ خواهر و برادر نیز نمی‌توان به این راحتی‌ها به یک تصمیم جمعی رسید». مرد جوان از تلفن همراهش متن نامه‌ای را می‌خواند؛ نامه‌ای که می‌خواهد به نمایندگی از پنج واحد تجاری خیابان نیلوفر به فرمانداری، استانداری و در نهایت وزارت کشور که نهاد بالادستی شورای بازسازی مناطق جنگی است، ببرد.

خرده‌شیشه‌های جنگ

«با نهایت تأسف و تأثیر به‌مناسب درگذشت چهلمین روز شهادت پدری مهربان و وفادار شهید کامران پسنگک مراسم بزرگداشتی برگزار می‌شود». روی دیوار اولین ساختمان «کوچه رمضانی ۹» که به‌شکل معجزه‌آسایی هنوز سرپا مانده است اما قابل سکونت نیست، چند عکس و اعلامیه چسبانده شده است؛ نام و یادی از کسانی که ساکن همین کوچه بودند اما بعد از آن حمله کشته شدند. باد گرم، حفاظ‌های پلاستیکی آبی را که به‌شکل پراکنده دور برخی از خانه‌ها کشیده شده، تکان می‌دهد؛ قاب پنجره و شیشه بیشتر خانه‌هایی که در «کوچه رمضانی ۹» سالم مانده‌اند، عوض شده است، روی دیوارها، چند مغازه شیشه‌فروشی نیز شماره تماس و آدرس خود را آگهی کرده‌اند. شاخه‌های دو درخت شکسته‌اند و روی زمین پر است از خرده‌شیشه و آجرهایی که از زمان انفجار تابه‌حال هنوز در گوشه و کنار میدان نیلوفر و این کوچه باقی مانده است؛ مردی با یک گونی بر پشت و پوستی سوخته از شدت آفتاب، در حال گذر است، لنگ می‌زند. پای راستش را که بلند می‌کند سوراخی عمیق در کف کفشش دیده می‌شود و پانسمان کدری که از پشت سوراخ نمایان است: «این کوچه معمولا راه رفت و آمد من و کسانی است که در این منطقه کار می‌کنند. چند شب پیش داشتم می‌رفتم که ضایعات ساختمان در حال ساخته‌شدن کوچه روبه‌روی «رمضانی ۹» را بردارم، چند قدم که در کوچه راه رفتم ناگهان پایم تیر کشید و فهمیدم یک تکه شیشه بزرگ کفشم را سوراخ کرده است». از شدت درد به خود پیچیده بود که یکی از خودروهای گذری به کمکش آمد: «شانس آوردم یک آقایی آمد و مرا به درمانگاه رساند. شیشه آن‌قدر عمیق در پایم فرورفته بود که مجبور شدم بخیه بزنم».

این وضعیت برای باقی ساکنان نیز خوشایند نیست، یکی از آنها «آرمان» پسر جوانی است که با لباس ورزشی در مسیر باشگاه است که می‌گوید: «از زمان جنگ فقط آمدند خرابه کلانتری را جمع کردند و رفتند، دیگر نه کاری به ساختمان‌های خراب کوچه ما دارند نه حتی می‌آیند نخاله‌ها را جمع کنند». برای او این موضوع شبیه به یادآوری اجباری جنگ است: «آن شب که اینجا را موشک زدند، شیشه‌های ما ریخت، مادرم زخمی شد. ما شب بسیار بد و ترسناکی داشتیم. انگار تمام صحنه‌هایی را که قبلا در بازی ویدئویی می‌دیدیم، زنده تماشا می‌کردیم. تا وقتی حداقل خرابه‌های کوچه را جمع نکنند، فکر نکنم این کوچه به روزهای عادی‌اش بازگردد».

کانکس جای کلانتری

ساختمان سه‌طبقه‌ای در ابتدای کوچه «رمضانی ۹» وجود دارد. بین این ساختمان و کلانتری تخریب‌شده تنها چند متر فاصله است. در طبقه اول آن یک خشکشویی بزرگ و یک مغازه کوچک وسایل خانه قرار دارد؛ روی کرکره یکی از درهای خشکشویی بنری قرمز نصب شده است: «این واحد صنفی به علت ریزش ساختمان قادر به فعالیت نیست، لطفا جهت دریافت البسه‌های خود حداکثر تا تاریخ مذکور از ساعت ۱۵ تا ۲۰ مراجعه بفرمایید». در مغازه نیمه‌مخروبه، یک مهتابی روشن است و مردی جلوی در ایستاده و می‌گوید؛ از زمان حمله تابه‌حال کار نکرده است: «از وقتی به کلانتری حمله شد تابه‌حال نتوانستیم کار کنیم، ساختمان خطر ریزش دارد و تمام ابزار و وسایل نیز خراب شده‌اند. من اینجا کارگرم و نمی‌دانم قرار است چه زمانی دوباره کار ما شروع شود». پشت ساختمان کلانتری نیز کافه‌ای با دیوارهایی سفید قرار دارد. جلوی در، چند جوان نشسته و قهوه می‌خورند، دو مرد جوان در کافه کار می‌کنند: «تقریبا دو ماهی تعطیل بودیم، وسایل و میز و صندلی‌های طبقه بالا نیز آسیب دید، اما چون ما شعبه دیگری داشتیم توانستیم اینجا را زود راه بیندازیم». دکور کافه تغییر کرده. روبه‌روی کافه پارک کوچکی است، اطراف پارک دو ماشین پلیس متوقف شده‌اند و روبه‌روی آن نیز مدرسه‌ای قرار دارد که شیشه‌ها، قاب پنجره‌ها و دیوارهای کاذب آن فروریخته است. در پارک سه کانکس قرار داده‌اند، یکی از کانکس‌ها قرمز شده و آرم پلیس روی آن زده‌اند؛ این سه کانکس، جایگزین کلانتری بزرگ و قدیمی میدان نیلوفر شده‌اند.

می‌گویند آسیبی ندیده‌اید

تمام مغازه‌های میدان نیلوفر مانند آن کافه شانس، سرمایه و توان لازم برای بازسازی سریع را نداشتند. دور میدان، سیگارفروشی کوچکی قرار دارد که به علت آسیب به ساختمان بیرون از مغازه، بساط فروش را پهن کرده است. نبش خیابان، در فاصله‌ای نزدیک به ساختمان کلانتری، بوتیک کوچکی قرار گرفته است. صاحب مغازه با دو نفر از دوستانش در مغازه نشسته‌اند، او لبخندی از سر ناامیدی بر لب دارد و می‌گوید؛ شیشه‌ها، کرکره، تابلو، چراغ‌ها، سیم‌کشی، کولر و دکور خاص مغازه آسیب دیده و بخش زیادی از کالاهایش نیز از بین رفته یا به سرقت رفته است. انبار روبه‌روی مغازه هم خسارت دیده و سه خودروی او همچنان در صافکاری است. با این حال، کمک بلاعوضی دریافت نکرده و فقط تسهیلات ۴۰۰ میلیون تومانی در اختیارش گذاشته‌اند؛ پولی که تأکید می‌کند وام است و باید آن را پس بدهد: «پولی بابت خسارت به ما ندادند، یک وام دادند که باید پس بدهیم. هزینه تعویض شیشه، کرکره، تابلو، چراغ، سیم‌کشی و کولر را حساب کنید کلی پول می‌شود. حالا به اینها سه ماشین و انباری که از بین رفته هم باید اضافه شود». او به حضور کارشناسان شهرداری و دولت برای ارزیابی خسارات وارده به مغازه‌اش اشاره می‌کند، اما از این گلایه دارد که به او گفته‌اند مغازه‌اش آسیب چندانی ندیده است: «آسیب از نظر آنها چیست؟ مگر حتما باید کسی شهید شده باشد تا بگویند خسارت دیده‌اید؟ شیشه و کرکره و کولر و چراغ و سیم‌کشی از بین رفته، کالاها آسیب دیده یا دزدیده شده، انبار از بین رفته و سه ماشینم در صافکاری است؛ بعد می‌گویند آسیبی ندیده‌اید». این ادعای کارشناسان در حالی است که مغازه او به دلیل موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به محل انفجار، بیش از تمام واحدهای دیگر آسیب دیده است: «ما به موج انفجار نزدیک بودیم و ماشین‌ها و مغازه ما بخشی از موج را گرفتند. از نظر فیزیکی و ریاضی هم مشخص است که اگر ما آنجا نبودیم، موج به نقاط دیگری می‌رسید و خسارت بیشتری ایجاد می‌کرد». او ادامه می‌دهد: «فرق ما با خیلی از مغازه‌ها این است که هم کالا داریم و هم دکور. چراغ‌ها و نور مغازه خاص است. نمی‌توانم مغازه را خالی باز کنم؛ باید دوباره جنس بخرم و داخل مغازه بگذارم. ممکن است مشتری از میان صد قلم کالا فقط یک قلم را انتخاب کند، بنابراین من باید همه آن کالاها را داشته باشم. انبارم هم کامل از بین رفته است». برای راه‌اندازی دوباره مغازه، بخشی از دارایی‌هایش را فروخته و هزینه‌های تعمیر را شخصا پرداخته است. فقط برای کولر نزدیک به ۹۷ میلیون تومان هزینه کرده و هنوز تعمیر آن تمام نشده است. در کنار این مخارج، باید حقوق کارکنان، بیمه، اجاره و هزینه تأمین دوباره کالاها را نیز بپردازد، در حالی که فروش مغازه به‌شدت کاهش یافته است: «می‌گویند خودت تعمیر کن، اما من باید پول کارمند و بیمه را هم بدهم و دوباره جنس بخرم. کولر تا الان حدود ۹۷ میلیون تومان برایم هزینه داشته و هنوز تعمیرکار باید دوباره بیاید. اگر درباره رقم خسارت من تردید دارند، خودشان همان شیشه و کرکره و کولر را با قیمتی که می‌گویند تعمیر کنند. من پول اضافه نمی‌خواهم؛ همان چیزی را که خراب شده درست کنند». به گفته او، حتی هزینه وصل‌کردن سیم برق بیرونی ساختمان نیز از کسبه دریافت شده است؛ سیمی که تأکید می‌کند در بخش بیرونی و پیش از کنتور قرار داشته است: «برق بیرون قطع شده بود، اما هزینه‌اش را از خود ما گرفتند. سیمی که پشت کنتور و در فضای بیرونی است، چرا باید با هزینه من وصل شود؟ برای همین موضوع هم مجبور شدم دوباره به شهرداری مراجعه و پیگیری کنم».

دستور رئیس‌جمهور برای جبران خسارات

«حمیدرضا رستگار» رئیس اتاق اصناف تهران است. او می‌گوید اتاق اصناف آمار و اطلاعات واحدهای آسیب‌دیده را به نهادهای دولتی داده است: «تعداد واحدهای تجاری آسیب‌دیده در تهران بالا نیست. ما تعداد و اطلاعات مرتبط با میزان آسیب‌دیدگی تمام این واحدها را به وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت اقتصاد و همین‌طور بانک مرکزی به عنوان مسئول تأمین بودجه ارائه کرده‌ایم و آنها نیز قول پیگیری داده و گفته‌اند که صاحبان این واحدهای تجاری را برای ارائه تسهیلات و وام دعوت می‌کنند. تابه‌حال اما گزارشی دراین‌باره به ما داده نشده که چه اقداماتی صورت گرفته است». او تأکید می‌کند که هنوز مسئول رسمی جبران این خسارات معلوم نیست: «این موضوع را باید از دولت پرسید و خواست که بگوید چه ارگانی باید برای جبران خسارات اقدام کند و از چه منبعی قرار است تأمین مالی صورت بگیرد، این مسئله بر عهده اتاق اصناف نیست. اما تا جایی که خبر دارم رئیس‌جمهور دستور پیگیری این مسئله را صادر کرده و امیدواریم به زودی اقدامات عملی نیز انجام شود». بر اساس اعلام او، قرار است بانک‌ها نیز به کمک واحدهای تجاری آسیب‌دیده بیایند: «با توجه به پیگیری‌های انجام‌شده توسط اتاق اصناف، برخی بانک‌ها پذیرفتند که وام‌هایی به واحدهای تجاری آسیب‌دیده در جنگ تعلق بگیرد، اما تابه‌حال به ما گزارشی داده نشده دراین‌باره که چه میزان وام با چه روشی به افراد تعلق گرفته است».

شناسه : ۲۲۴۶۴۶۷

* آگهی مناقصه عمومی با ارزیابی همزمان
(یک مرحله ای) – تجدید مناقصه
شماره مناقصه ۵۳۳۳۶(نوبت دوم)

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان مازندران
(سهامی خاص)

شرکت گاز استان مازندران در نظردارد مناقصات جدول ذیل را بین پیمانکاران واجد شرایط با مشخصات و شرایط ذکر شده به روش مناقصه عمومی و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید . کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبل ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .

ردیف	موضوع مناقصه	شماره در سامانه	مبلغ تضمین	مبلغ برآورد	امتیاز
۱	تعمیرات و نگهداری تاسیسات اداره گاز در شهرستان محمودآباد - تجدید مناقصه	۲۰۰۵۰۹۱۵۷۸۰۰۰۰۳۴	۳,۱۳۸,۴۶۵,۹۸۳	۶۲,۷۶۹,۳۱۹,۶۶۸	۶۰
۲	نگهداری و تعمیرات تاسیسات گازرسانی شهرستان نور و روستاهای تابعه - تجدید مناقصه	۲۰۰۵۰۹۱۵۷۸۰۰۰۰۳۲	۴,۱۵۱,۷۷۶,۰۷۱	۸۳,۰۳۵,۵۲۱,۴۲۴	۶۰
۳	نگهداری و تعمیرات بهمراه توسعه شبکه و نصب انشعابات پراکنده شهرستان عباس آباد - تجدید مناقصه	۲۰۰۵۰۹۱۵۷۸۰۰۰۰۳۳	۴,۷۷۱,۷۰۵,۸۸۹	۹۵,۴۳۴,۱۱۷,۷۸۴	۶۰

شرح مختصر کار :
۱- محل تامین اعتبار: سایر منابع / منابع داخلی
۲- نوع تضمین فرایند ارجاع کار : تضمین معتبر براساس آیین نامه تضامین معاملات دولتی مصوبه هیات وزیران به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ و اصلاحات بعد از آن درخصوص کارهای پیمانکاری
۳- محل اجرای پروژه : در محدوده گاز استان مازندران
۴- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه : ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ می باشد .
۵- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت : ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸
۶- مهلت زمانی ارائه پیشنهاد : ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ ضمنا"اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کارتا پایان وقت اداری تحویل و دردبیرخانه کمیسیون مناقصات ثبت گردد)
۷- زمان بازگشایی پاکت ها : ساعت ۹:۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵
۸- مدت اعتبار پیشنهادها : سه ماه می باشد و این مدت حداکثر برای یکبار قابل تمدید است.
ضمنا : هرگونه تغییر در زمان های یاد شده از طریق سامانه اعلام می گردد.
۹-شرایط متقاضی :
– داشتن گواهی صلاحیت در رشته تاسیسات و تجهیزات یا نفت و گاز از سازمان برنامه و بودجه با ظرفیت آزاد و مجاز
– داشتن کد اقتصادی از وزارت اقتصادی و دارایی
– ثبت نام و اخذکد اطلاع رسانی پایگاه ملی مناقصات با مراجعه به سایت iets.mporg.ir // : http
– ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۲۹ برای پیشنهادهای بالای ۱۰برابر نصاب معاملات متوسط باشد الزامی است. با رعایت ماده ۴ آیین نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی.
– « حداقل نصاب پیشنهاد دهنده در این مناقصه ها به هر تعداد مناقصه گر می باشد. (ملاک تعیین تعداد مناقصه گر، بعد از تایید صحیح بودن محتویات پاکت الف می باشد).
– قیمتها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.(در صورتیکه کالا مشابه تولید داخل دارد)
متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند « ۹» فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند ، می توانند درمهلت تعیین شده فوق الذکر جهت دریافت اسناد به سایت اعلام شده مراجعه نمایند .
– شرکت کنندگان در مناقصه، میبایست شماره ثابت و شماره فکس دفتر خود را در سامانه ستاد ارائه نمایند در غیر اینصورت مسئولیت عدم اطلاع رسانی در مواقع ضروری به عهده آن شرکت می باشد و حق هیچگونه اعتراضی نخواهند داشت.
– به پیشنهادات شرکت های دارای هیات مدیره مشترک موثر در انجام مناقصه تر تیب اثر داده نخواهد شد.
– جهت کسب اطلاعات بیشتر در سایت شرکت گاز استان مازندران به آدرس www.nigc-mazandaran. ir و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور به آدرس iets.mporg.ir // : http مراجعه نمایید .
– اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه
– مرکز تماس : ۰۲۱-۴۱۹۳۴ و ۰۲۱-۵۷۸۹۵۰۰۰
– دفتر ثبت نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۹۵۱۹۳۷۶۸
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۹

روابط عمومی شرکت گاز استان مازندران

www.sharghdaily.ir